

*Research Article*

## A Comparative Study of the Function of Red in the Poetry of Stability (Relying on the Poetry of Shahriar and Jewehery)

Ramzan Rezaei<sup>1\*</sup>, Parinaz Ali Akbari<sup>2</sup>

### Abstract

Sometimes the poet makes a speech for himself through words that are symbols, symbols, and symbols, and thus does not need to elaborate on various topics. Color, as the most prominent element in the realm of senses, has long been the focus of human attention and has always fascinated the human spirit and soul. Colors play a major role in the expression of people's experiences, in addition to their subtle meanings. Today, color is the most important element in the emergence of artistic creativity and productivity, and poets as creators of the cosmos of the creative world have used colorful words to make poetic images more explicit, in order to explain the inexpressible notions of the symbolic space of their poems. They win. Understanding the properties and effects of colors in a real space, flanking, coding, and myths can reveal many hidden secrets or convey messages to the audience. Therefore, in the poetry of sustainability, the use of color element reflects the aspirations and aspirations of the poets. Shahriar and Jewehery have also created mysterious associations with cultural, religious and historical contexts, using colors, especially red as one of the important components of imagination in their poems. Using an analytical-descriptive approach and relying on the American school of comparative literature, this essay attempts to explain the function of red in the poems of the two poets. The findings of this study indicate that in the poetry of both poets, red indicates martyrdom, resurrection, protest, perseverance and perseverance.

**Keywords:** Red, Stability Poetry, Shahriar, Jewehery

### How to Cite:

Rezaei R., Ali Akbari P., A Comparative Study of the Function of Red in the Poetry of Stability (Relying on the Poetry of Shahriar and Jewehery), Journal of Comparative Literature Studies, 2023;17(65):17-29.

1. Associate Professor, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

2. Lecturer at Farzangan Bonab Talent Center, Tabriz, Iran



## بررسی تطبیقی کارکرد نمادهای رنگ سرخ در شعر پایداری (با تکیه بر اشعار شهریار و جواهری)

رمضان رضائی<sup>۱\*</sup>، پریناز علی اکبری<sup>۲</sup>

### چکیده

گاهی شاعر سخن گفتن را از طریق کلماتی که نماد، رمز و سمبول هستند، برای خود یک اصل قرار می‌دهد و از این طریق، بی‌نیاز از شرح موضوعات گوناگون و بسط سخن است. «رنگ» عنوان برجسته‌ترین عنصر در حوزه محسوسات، از دیرباز تاکنون مورد توجه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت خود کرده‌است. رنگ‌ها علاوه بر دلالت‌های وصفی، در بیان تجربه‌های افراد نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. امروزه نیز رنگ مهم‌ترین عنصر در بروز خلاقیت‌های هنری و بهره‌وری محسوب می‌شود و شاعران به عنوان زیباشناسان جهان آفرینش از واژگان رنگین در عینی‌تر شدن ایماژهای شاعرانه و گاه در راستای تبیین مفاهیم بیان ناشدنی فضای نمادین اشعار خویش بهره‌ها می‌برند. با شناخت ویژگی‌ها و تاثیرات رنگ‌ها در فضایی واقعی، کنایی، رمزی و اسطوره‌ای می‌توان به رازهای پنهان بسیاری دست یافت و یا پیام‌هایی را به مخاطب منتقل کرد. از همین روی در شعر پایداری نیز به‌کارگیری عنصر رنگ، بیانگر آرمان‌ها و خواسته‌های شاعران است. شهریار و جواهری نیز با به‌کارگیری رنگ‌ها به ویژه رنگ سرخ به عنوان یکی از اجزای مهم صور خیال در اشعار خود، تداعی‌های پر رمز و رازی را با زمینه‌های فرهنگی، آیینی و تاریخی خلق کرده‌اند. این جستار با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر مکتب امریکایی در ادبیات تطبیقی سعی در تبیین کارکرد رنگ سرخ در اشعار پایداری این دو شاعر دارد. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که در شعر هر دو شاعر، رنگ سرخ بیانگر شهادت، قیام، اعتراض، ایستادگی و پایداری است.

### واژگان کلیدی: رنگ سرخ، شعر پایداری، شهریار، جواهری

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۲. مدرس مرکز استعدادهای درخشان فرزندان بناب، تبریز، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

انسان از زمانی که مسیر رشد را در پیش می‌گیرد، کم‌کم اشیاء اطراف خود را به خاطر تفاوت‌ها و تقابل‌ها، به ویژه تفاوت در رنگ‌ها می‌شناسد و از رنگ‌های طبیعت تأثیر می‌پذیرد و متوجه می‌شود که هر کدام از این رنگ‌آمیزی‌های طبیعت کارکردی دارد. هر چند که برخی از رنگ‌ها در تعابیر بسیاری مانند سفید بخت شدن، رو سفید گشتن، از خجالت سرخ شدن و یا سبز قامت گشتن کاربرد دارند؛ از طرفی رنگ‌های گرم (قرمز، زرد، سبز و بنفش) و سرد (آبی، سبز، فیروزه‌ای) و خنثی (سیاه، سفید و خاکستری) در زندگی انسان و در حالات روحی او تأثیر به‌سزایی دارند. رنگ‌های تیره انسان را محزون ساخته و رنگ‌های شاد عشق به زندگی را افزون می‌کنند و به طور کلی در القای مفاهیم نقش مهمی را بازی کرده و تقریباً سیطره خود را در تمامی امور بشر گسترش داده‌اند. امروزه رنگ به عنوان جزیی از مهم‌ترین عناصر زیبایی به شمار می‌رود. با این‌که زندگی اطراف ما آکنده از رنگ‌های طبیعی متنوع در پرندگان، حیوانات، گل‌ها، گیاهان و غیره است؛ اما انسان به این زندگی رنگارنگ طبیعی قناعت نکرده و از هنر و علمش، هزاران رنگ و ترکیبات رنگی به وجود آورده و رنگ‌های صنعتی به آن افزوده است، تا جایی که تقریباً زندگی غیر رنگی (سیاه و سفید) از ما دور شده است. به این ترتیب نمی‌توانیم رنگ را یکی از عوامل زیبایی قلمداد نکنیم. (مختار عمر، ۱۹۹۷: ص ۱۳)

## بیان مسأله

رنگ‌ها با هماهنگی و یا تضاد خود محیط زندگی ما را متحول می‌سازند این هماهنگی یا تضاد رنگ‌ها در ادبیات نیز کاربردی بسیار وسیع دارد، چرا که ادبیات آینه تمام‌نمای هر جامعه و تفکرات رایج در آن است. همان‌طور که رنگ‌ها در جامعه حضور دارند و به صورتی نمادین تصویرسازی می‌کنند در ادبیات نیز همین تصویرسازی محصول ذهن شاعر نیز نمایان می‌گردد. همان‌طور که رنگ سیاه معنای حزن و ناامیدی و ظلمت دارد و سبز، رنگ مقدس و حیات بخش است و سرخ، رنگ شهامت و شهادت، در ادبیات نیز در همین معانی به کار رفته‌اند. «البته نباید فراموش کرد که امتیاز بزرگ رنگ‌ها سلیقه و پسند انسان‌ها در گزینش آنهاست و هر شخصی بسته به روحیات و عقاید و حتی تجربیات شخصی خویش، رنگی را دوست دارد و همواره بدان عشق می‌ورزد و گاه با آن زندگی می‌کند. نمونه بارز آن فردوسی است که رنگ سیاه در آثارش با بالاترین بسامد، بیشترین میزان کاربرد را از نظر مفهومی دارد.» (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۶) بنابراین هر اثر ادبی بیانگر نحوه اندیشه صاحب اثر و جهان بینی اوست. از آنجا که شعر نیز به دلیل این‌که برخاسته از عمق احساسات و عواطف شاعر است، بازگوکننده شخصیت و روحیات روانی وی نیز خواهد بود. شاید بتوان قوی‌ترین و نمادی‌ترین کاربرد رنگ در ادبیات فارسی را هفت‌گنبد نظامی دانست که در آن هفت سیاره، هفت روز هفته و هفت الهه آنها از باور سومریان با هفت رنگ قرین گشته است. (همدانی زاده، بی تا: ص ۴۷) در ادبیات عرب نیز بر اثر آشنایی اعراب با تمدن‌های بزرگی چون ایران و روم و یونان تنوع در رنگ‌ها نیز پدید آمد که شعر دوره عباسی گواه این مدعاست؛ هر چند که در شعر این دوره، رنگ دارای مفهومی مادی است و کمتر به عناصر نمادین راه می‌یابد؛ اما امروزه رنگ در حوزه‌های گوناگون زندگی انسان حضوری موثر دارد.

از طرفی انتخاب رنگ مشخص در شکل‌گیری جریان‌های سیاسی و تاریخی همواره از روزگاران قدیم تا امروز یکی از کارکردهای گروهی و حزبی رنگ بوده است. شکل‌گیری گروه‌هایی چون مسوده (سیاه‌جامگان)، مبیضه (سفید‌جامگان) و محمره (سرخ‌جامگان) بر همین مسأله دلالت دارد. رنگ‌ها همچنین در مراسم مذهبی، آیینی، اجتماعی و سیاسی؛ اغلب نشانگر موضع ویژه‌ای بوده‌اند. به طور مثال «عرب‌ها برای نشان دادن خشم خویش، لباس‌های

زرد یا سرخ می‌پوشیدند و هنگام انتقام جویی، عمامه سیاه بر سر می‌نهادند و کفش‌هایی به همین رنگ می‌پوشیدند.» (دزی، ۱۳۸۳: ص ۱۵)

به هر روی وقتی رنگ وارد قلمرو شعر می‌شود؛ خیال و احساس مخاطب را برمی‌انگیزد و به عنوان ابزاری مهم در خدمت تصویرپردازی شاعر قرار می‌گیرد تا از ظرفیت گسترده آن بهره برداری شود. دیوان شهریار و جواهری، دو شاعر پر آوازه معاصر نمونه بارز این مسأله است که در این جستار مورد توجه قرار گرفته است و سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که رنگ سرخ در اشعار پایداری این دو شاعر چگونه منعکس شده و چه کارکردی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحلیلی - توصیفی با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی بهره برده شده است.

### پیشینه تحقیق

درباره شهریار و جواهری که آوازه‌شان مرزها را درنور دیده است، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که ذکر آنها در این مقال نمی‌گنجد؛ اما از میان پژوهش‌های تطبیقی بین این دو شاعر مقاله «دین در اندیشه جواهری و شهریار»، نوشته مهدی ممتحن و همکاران که در مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۵، سال ۱۳۸۹ قابل ذکر است. نویسندگان در این مقاله به موضوعاتی چون عقیده و ایمان، قیام امام حسین و مصیبت‌های کربلا پرداخته‌اند.

در ارتباط با مسأله پایداری در شعر شهریار مقاله‌ای با عنوان «ادبیات انقلاب اسلامی و شهریار» نوشته محمد مهدی پور، ۱۳۷۳، مجموعه مقالات همایش بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، از جمله مقالاتی است که به موضوعاتی چون ناخرسندی شهریار از نظام طاغوتی، شهریار و دشمنان انقلاب اسلامی، شهریار و دفاع مقدس پرداخته است.

مقاله «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و محمد مهدی جواهری»، نوشته امین مقدسی و بهشتی، ۱۳۹۱، نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره ۷، نگارندگان ابتدا به اغراض شعر عاشورایی از قبیل رثا، هجو، حماسه و مدح پرداخته سپس به موضوعاتی چون بازتاب حوادث تاریخی، تجلی دین و غیره در اشعار این دو شاعر اشاره کرده‌اند.

پژوهش‌هایی نیز درباره رنگ در ادبیات پایداری صورت گرفته است. برخی از آنها عبارتند از: ۱- مقاله «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویر پردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین» نوشته مرتضی قائمی و مجید صمدی، نشریه ادبیات پایداری، شماره دوم، سال ۱۳۸۹. در این مقاله علاوه بر بررسی رنگ در ادبیات، رنگ‌هایی چون سرخ، سبز، زرد و آبی بررسی شده است. ۲- مقاله «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت نمونه مورد پژوهانه: سمیح القاسم» نوشته یحیی معروف و بهنام باقری، نشریه ادبیات پایداری، شماره ششم، ۱۳۹۱. در این مقاله نیز به رنگ‌هایی چون سیه، سرخ، آبی، سفید پرداخته شده است.

بررسی‌های نگارندگان بیانگر آن است که درباره بررسی تطبیقی کارکرد رنگ سرخ در اشعار پایداری شهریار و جواهری تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

### اهمیت و ضرورت

تاثیر رنگ بر انسان در هر زمان و مکانی، متفاوت است. رنگ‌ها باعث احساسات و عواطفی می‌شوند که بسیاری از آنها همواره معتبر می‌مانند و برخی تغییر می‌کنند و همه این‌ها مسأله پژوهش در ادبیات را تشکیل می‌دهند. با عنایت به نو بودن مبحث رنگ پژوهی در ادبیات به ویژه ادبیات پایداری و نیز با توجه به این که تاکنون پژوهشی در زمینه مقایسه رنگ در اشعار پایداری شهریار و جواهری صورت نگرفته است، وجود پژوهشی در تبیین دیدگاه‌ها و مفاهیمی که این دو شاعر از طریق بکارگیری رنگ سرخ در حوزه ادبیات پایداری استفاده کرده‌اند، ضروری می‌نماید.

## بحث و بررسی

در آستانه انقلاب مشروطه کشور ایران هنوز تمامی خصوصیات جامعه شناسی یک جامعه سنتی را دارا بود. حاکمیت سیاسی به شکل استبداد کهنسال ایرانی بوده که به حق می‌توان آن را نمونه متعارف استبداد شرقی دانست. برخی معتقدند که در قرن ۱۹ میلادی طی یک سلسله تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، رفته رفته شکاف‌هایی در جامعه سنتی ایران پدیدار گشت و حقانیت رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی مورد تردید قرار گرفت. تشدید نفوذ دو دولت روسیه و انگلیس، رشد بی سابقه حجم تجارت خارجی ایران را به دنبال داشت. در انتهای قرن ۱۹، اقتصاد ایران عملاً به بازار جهانی وابسته شده بود، مکانیسم‌های موجود در نظام مبادله کالا و صادرات منجر به فقیر شدن کشور گردید. (نک: خرابی، ۱۳۸۰: ص ۱۱-۲۱) کشور ما از اوایل قرن ۱۹ به صورت یک منطقه حایل میان دو قدرت فوق در آمده بود. آنها تا قرن ۲۰ مایل به اشغال ایران و تقسیم کشور ما میان خود نبودند و از این رو ایران توانست استقلال سیاسی خود را حفظ نموده و از نقشه جغرافیا محو نگردد؛ ولی هر دو دولت در روند رقابت توقف ناپذیر خود سعی داشتند نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را هر چه بیشتر در کشور ما گسترش دهند. (همان، ص ۶۵) عشق و علاقه شهريار به ایران هر اندازه که پایان‌ناپذیر است؛ نسبت به متجاوزین که چشم طمع به این مرز و بوم را داشتند به همان اندازه شدید و کوبنده است. بعد از پیروزی انقلاب نیز منظومه‌هایی همچون «شیون شهریور»، «مهمان شهریور»، «شبیخون» را در مدح ایثارگران و قدح دشمنان سرود و بدین گونه فصل تازه‌ای به آثار خود افزود.

جواهری نیز بزرگترین شاعر عراقی در میان نسل خود محسوب می‌شود و برترین شاعری است که به شیوه کلاسیک و سنتی، زندگی پر اضطراب عراق را به تصویر کشیده و باعث گسترش شعر سیاسی و پایداری عراق شده است. او به وطنش عشق می‌ورزید و در بسیاری از اشعارش این مسأله انعکاس یافته است. درباره او گفته شده است: «نه شعر کلاسیک عرب و نه شعر معاصر عرب شاعری مانند جواهری را بتواند این گونه با سرزمینش و جهان عرب ارتباط برقرار کند و حوادث بزرگ را در شعرش ثبت کند، به خود ندیده است.» (الجیوسی، بی تا: ص ۳۵۰)

## رنگ سرخ، معانی و ویژگی‌های آن

سرخ (قرمز) یکی از رنگ‌های اصلی است که از رنگ‌های گرم به شمار می‌آید و به عنوان رنگی بسیار پر شور و هیجانی، نگاه‌ها را متوجه خود کرده «حواس را تحریک می‌کند و جاه‌طلبی‌ها، انرژی‌های متمرکز و شهامت را افزایش می‌دهد، علاوه بر این باعث تقویت تمایلات جنسی و دمدمی مزاجی هم می‌شود» (دی و تایلور، ۱۳۷۸: ص ۳۶) قرمز چون رنگی گرم و تحریک کننده است؛ لذا باعث سرعت گردش خون در بدن شده و دارای یک التهاب درونی است. بارزترین و مهمترین مفهوم‌نمادین رنگ قرمز، خون، شهادت، شهامت، مبارزه و مرگ مقدس و به دنبال پیروزی است. «همچنین رمز عواطف جوشان و عشق خروشان و نیرو و نشاط است. گاهی هم بر خشم و غضب و سنگدلی و خطر دلالت می‌کند.» (طالو، بی تا: ص ۱۷۲)

در روان شناسی، رنگ قرمز مفهوم اعتماد به نفس را با خود به همراه دارد، لذا برای درمان ترس از این رنگ کمک می‌گیرند. از نظر تحریکات روانی، رنگ قرمز دارای قدرت و کشش بوده، مثبت و متجاوز و تهییج و تحریک کننده است. به همین خاطر روان‌شناسان توصیه می‌کنند که افراد عصبی نباید در معرض این رنگ قرار گیرند؛ زیرا باعث تشدید ناراحتی آنها می‌شود. همچنین این رنگ به خاطر خاصیت تحریک کنندگی فشار خون را بالا برده، کشش عضلانی بدن را بالا می‌برد، لذا اثرات رنگ قرمز معادل با فعالیت سمپاتیک است که فعالیت عمومی بدن را زیاد می‌کند. (علی اکبرزاده، ۱۳۷۵: ص ۶۶)

رنگ سرخ بیانگر نیروی حیاتی است و لذا معنای آرزو و تمام شکل‌های میل و اشتیاق را دارد. قرمز معنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی؛ نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارد. سرخ یعنی محرک اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور و قدرت. قرمز یعنی تأثیر اراده و قدرت آن. (لوشر، ۱۳۷۳: ص ۷-۸۶) رنگ سرخ در اشعار شهریار و جواهری با الهام از آموزه‌های دینی و ملی دلالت‌های متعددی دارد. این رنگ گاهی نماد خون و شهادت طلبی و ایثار است و گاهی نشانه وطن پرستی و زمانی نیز بر اساس سیاق متن حاوی پیام‌های متنوعی می‌باشد.

### رنگ سرخ و شهادت و ایثار

رنگ سرخ در اشعار شهریار و جواهری خودآگاه یا ناخودآگاه کاملاً معنادار است. گویی آنها با چنین چینشی، در پی نشان دادن تمایل و اراده قوی خود، برای تغییر و تحول هستند و نیز تداعی کننده پشتکار و استقامت، غرور و بلند پروازی است. این رنگ به نوعی رنگ خون است و با توجه به فرهنگ ملل مختلف، تعبیر متفاوتی دارد؛ به عنوان مثال در ژاپن نماد از خودگذشتگی و در ترکیه نشانه مرگ است. در ادب فارسی نیز رنگ سرخ به دلیل تشبیهات مکرر مورد توجه بوده است و در مفاهیمی چون گلگون، رنگ و رنگین بکار رفته است. این قبیل تعبیرات در ادبیات دفاع مقدس، به ویژه در میان شاعران بسیار ملموس و محسوس است؛ لذا در شعر شهریار نیز رنگ قرمز بوی شهید و شهادت می‌دهد:

سلام ای شاهبازان شکاری  
 هوا نیروز خونین بال و شهپر  
 به گاه صید شاهینی سبکبال  
 به قاف قرب عنقایی موقر  
 سلام ای کربلای خون هویره  
 حسینت بود با یاران دیگر  
 به خون آغشتگان بی سرو دست  
 ردیف قاسم و عباس و اکبر

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۴۲۳)

شهریار در این قصیده به توصیف صنف‌های مختلف رزمندگان اسلام از هر رده نظامی می‌پردازد و هر کدام از آنها را با نمادهایی برجسته می‌کند که هر کدام از آنها نیز به نوبه خود مظهر شهادت و ایثار هستند. در همین ابیات بالا، قاف محل حضور سیمرغ است و محل طلوع خورشید که خورشید سرخ است و این سرخی قاف با واژه قرب رنگ بوی عرفانی یافته و وصال و نزدیکی به خداوند و حقیقت را باز می‌نماید که خود اشاره‌ای ایهامی به شهادت دارد و شهادت هم یکی از نمادهای رنگ سرخ است.

جواهری نیز شهادت و ایثار را به خون و خونین پیکر شدن رزمندگان وطن‌گره می‌زند و می‌گوید:

رصاص البغی یفجرکم لیجری  
 دم یزکو به الوطن از دراعا  
 ویخضب من ریاض المجد حقل  
 یراح القادمون به انتجاعا

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۵۰۳)

در شعر جواهری علاوه بر اشاره به پرپر شدن جوانان وطن و بیان شهادت طلبی آنان، در ادامه ابیات، جلوه زیبایی از تقابل دو رنگ سرخ و سبز نمودار شده است و بیان کننده این مسأله است که سرخی خون پدیده آورنده راه سبز است و این راه سبز ادامه دار است و حیاتی توام با سرسبزی و سرزندگی را برای هموطنان باقی خواهد گذارد.

### رنگ سرخ و وطن

یکی از مصادیق شعر وطنی، بیگانه ستیزی است. حضور پر رنگ بیگانگان در دوره معاصر در بیشتر کشورهای خاورمیانه هر انسان آزاده و آزادی خواه را دردمند ساخته است. در این میان، حس لطیف شاعران باعث شده تا آنها با این مسأله برخورد جدی داشته باشند. در اندیشه شهریار و جواهری نیز احساس وطن دوستی و مبارزه با استبداد و خونریزی جنبه جهانی دارد و محدود به کشورشان نیست. قطعه شعرهای "قهرمانان استالینگراد" و "پیام به انشتین" و "پیام دانوب" و غیره از شهریار و قصاید "قصیده الجزائر" و "فلسطین دامیه" و "یوم الشهداء فی ایران" و غیره از جواهری بازتاب دهنده دیدگاه جهانی این دو شاعر در راستای حس وطن پرستی آنهاست. در بسیاری از اشعار وطنی این دو شاعر، رنگ سرخ حضور بسیار چشمگیری دارد و با مفاهیم وطن پرستی گره خورده است. به عنوان مثال شهریار در غزلی با عنوان عید خون چنین می گوید:

نوجوانان وطن بستر به خاک و خون گرفتند  
تا که در بر شاهد آزادی و قانون گرفتند  
رایگان در پای نامردان بر افشانی چه دانی  
کاین همایون گوهر از کام نهنگان چون گرفتند  
لاله از خاک جوانان می دمدم بر دشت و هامون  
یا درفش سرخ بر سر انقلابیون گرفتند  
خرم آن مردان که روزی خائنین در خون کشیدند  
زان سپس آن روز را هر ساله عید خون گرفتند

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۱۹۹)

شهریار در این ابیات اشاره به اتفاقات دوران پهلوی دارد و هم مجاهدت جوانان وطن را یادآور می شود که در راه میهن و آزادی و استقلال به خون خود غلطیدند و از خون آنها لاله دمیده است. در اینجا تلاقی رنگ سرخ و سبز (دمیدن) تعبیر عشق به میهن را تداعی می کند. از طرفی شاعر، آزادی و قانون را که در قفس خفقان دوران مشروطه محبوس بود را به گوهری نیک فال و خوش یمن تشبیه می کند. شهریار در غزلی دیگر به نام آذربایجان، اظهار علاقه شدیدی به زادگاهش نشان می دهد و ستایش آذربایجان را در راستای اتحاد ملتی به نام ایران می داند و همه آذربایجانی را به حمایت از ایران تحریک می کند. در اینجا نیز رنگ سرخ نقش آفرینی کرده و در ارائه تصویر عشق به وطن موثر واقع می شود:

در مکتب عشق وطن جان باختن آموخته  
یارب که بوداست از ازل استاد آذربایجان  
شمشاد ری را تا بود آزادی از جلا دی  
در خاک و خون غلطیده بس شمشاد آذربایجان

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۱۶۶)

در همین دو بیت شاهد شعری، ترکیب‌های: (جان باختن = مرگ سرخ) و (جلاد = کشتن و خون کسی را ریختن) و (در خاک و خون غلطیدن = با کشته شدن) بسامد بالای رنگ سرخ و ائتلاف لفظ با معنی را برای خواننده القا می‌کند.

اشعار وطنی جواهری حجم زیادی از دیوان وی را شامل می‌شود که این امر بیانگر دلبستگی وی به سرزمین خویش است. به عنوان مثال در قصیده «ضحایا الإنتداب» گوید:

سل الأخوین معتنقین غابا	لأیة غایة طویبا الشبایا
وعن أی المبادئ ضیعوه	دما لم یأله الناس اطلابا
ولو کدمیهما سالت دماء	محرمة لما رأت انقلابا
دم الأخوین فی الکفنین یغلی	خطاب لوعوی قوم خطابا
سیعلم من یخال الجوّ صفواً	بأن الجوّ مملوء ضبابا
ومن ظنّ المجالس عامرات	بمدح أنها شحنت سبابا
ويعرف من أراد صمیم شعبی	رمیاً أی شاکلة أصابا

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۱۶۹)

عشق و علاقه جواهری به وطن باعث شده که جریان‌های سیاسی و رخدادهای تاریخی وی را وارد عرصه سیاست کند و همین امر به جلای وطن شدن و تبعیدش انجامیده است. او به عنوان یک فرد آگاه از پشت صحنه مسائل سیاسی آگاه است و در این قصیده هموطنانش را از قصد و هدف انتخابات که به خیر و صلاح کشور نیست و صرفاً یک بازی سیاسی است آگاه می‌کند. انتخاباتی که هنگام برگزاری آن چند نفر از عراقی‌ها کشته می‌شود و آن دستاویزی برای سرودن این قصیده می‌گردد. در بیشتر ابیات این قصیده، خون و سرخی آن به خواننده همان حسی را منتقل می‌کند که شاعر در پی آن است.

و در قصیده‌ای دیگر چنین گوید:

هیهات من دون الذی أملتہ	وقع السیوف ووثبة الآسادی
ومواطن حدبت علی استقلالها	بالسیف ترضعه دم الأکباد
یکفیکمو بالأمس ما جربتم	فدعوا السیوف تقرّ فی الأعمادی

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۴۹)

در این ابیات نیز سرخی رنگ خون کارکرد خود را از نظر دلالت ایفا می‌کند، اما این بار با ریختن خون دشمنان وطن به واسطه شمشیر وطن پرستان اتفاق می‌افتد.

### رنگ سرخ و ایستادگی و پایداری

گسترش ظلم و بی‌عدالتی و تقویت انگیزه دفاع از حق در شکل‌گیری و احیای آن نقش دارد. از سوی دیگر واضح‌است که به واسطه وقوع نزاع و جنگ و به محض تهاجم یک طرف، طرف مقابل موضع پایداری و ایستادگی در برابر دشمن را در پیش خواهد گرفت و به عبارت دیگر، وقوع جنگ به طور طبیعی پدیده تهاجم و مقابله را در پی خواهد داشت و هر چه دامنه این جنگ گسترده‌تر و میزبان پیچیدگی و پیشرفت آن بیشتر باشد، دو مقوله تهاجم و مقابله، نمود بیشتری خواهد یافت. پس پایداری یعنی اقدامی آگاهانه و آزادانه در برابر تحرکی خصمانه در هنگامه نبرد. شاعران



که ادراکات فراحسی قوی تری دارند؛ با تلاشی گسترده به سرودن شعرهای مهیج و تحریک احساسات خفته مردم مبادرت می‌ورزند که در حوادث و رویدادها بسیار تاثیرگذارند. شهریار و جواهری شدیداً تحت تاثیر محیط فکری خود واقع شده و افکار و احساسات خود را معطوف به مسائل اجتماعی و سیاسی ساخته و آنها را با زبانی هنری، در قالب شعر بیان کرده‌اند.

شهریار در قطعه شعری گوید:

پیام من به گردان و دلیران	جوانان و جوانمردان ایران
یکی غریبم باید که چون رعد	کندآشفته خواب نره شیران
نه شیران را سزد گردن نهادن	به زنجیراسارت چون اسیران
گرم خون ریخت دشمن شهریارا	به خون دانی چه بدم نقش، ایران

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۱۶۶)

شهریار جوانان و نوجوانان را مانند شیری می‌داند که باید غرش کنند تا تن دشمن به لرزه بیافتد و نگذارند که اجنبی به هدفشان برسند تا خود کشورشان را به دست گیرند. سراسر این پیام ایستادگی و پایداری است و سرخی رنگ خون بر جنبه حماسی آن افزوده است و خواننده چنین القا می‌کند که در راه ایستادگی در برابر دشمن اگر خون سرخ کسی به زمین ریخت باز آن نقش میهن رسم خواهد کرد. از دیگر قصائد معروف شهریار که در دوران جنگ تحمیلی سروده شده و در آن همگان را به مبارزه با دشمن و ایستادگی در برابر آن فرا می‌خواند، قصیده بسیج است:

یا علی باز از خدا دستی به همراه بسیج	جاودان کن در جهان این جلوه و جاه بسیج
یا علی خون حسینت کی رود از یادها	گو ببیند زینب این غوغای خونخواه بسیج
تا علمدارش گشاید بال شاهین علم	می دهد فرمان حسینت کو بود شاه بسیج
اشک و خون می بارد از آفاق آذربایجان	خود به مؤگان رفت آذربایجان را بسیج

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۶۱۴)

در این چند بیت از قصیده کلماتی چون (علی، زینب، حسین، بسیج و خون) نماد ایستادگی هستند و بیانگر سرخی خطی هستند که در طول تاریخ ترسیم شده است. جواهری نیز در قصیده یوم الشهید که به مناسبت ایستادگی عراقی‌ها در برابر انگلیس که در سال ۱۹۴۸ روی داد، چنین سروده است:

أو أنّ بالنز الیسیر من الدما	سبیلٌ من عطش الطغاة أوام
أو أنّ متعوبا ستسعی نحوه	عما قریب راحة وجمام
حسبان ذلک للشهید خیانة	ولما تفجر من دم إجرام

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۴۹۱-۴۹۳)

در سراسر این قصیده همان طور که از عنوان آن پیداست واژه‌های (شهید و دم) پیوسته تکرار می‌شود و باعث ائتلاف لفظ و معنی شده و انتقال پیام ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن به صورت رنگین منتقل می‌شود.

مسأله فلسطین در جهان معاصر عرب نماد پایداری و ایستادگی در برابر دشمن به شمار می‌آید. بسیاری از شاعران عرب به این مسأله توجه داشته‌اند. جواهری نیز به فلسطین و مصائب آن اهتمام فراوانی قائل شده و در چندین جا از دیوان خویش بدان اشاره کرده است. از آن جمله قصیده فلسطین دامیه است. وی در بخشی از این قصیده گوید:

فما لقلبی جیاشاً بعاطفه  
 لو کان یصدق فیها لاستفاض دما  
 حسب العواطف تعبیراً و منقصه  
 أن لیس تضمن لبراءً ولا سقما  
 ما سرنی ومضاء السیف یعوزنی  
 أنى ملک لسانا نافتا ضمرا  
 دم یفور علی الأعقاب فائره  
 مهانۀ ارتضی کفوا له الکلمما

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۱۸۵-۱۸۶)

### رنگ سرخ و امام حسین

بی تردید برترین شخصیتی که نقش محوری در عاشورا ایفا کرده و در شعر فارسی و عربی نیز به طور گسترده بدان پرداخته شده شخصیت امام حسین است. «شخصیت‌های حاضر در کربلا اعم از قهرمان و ضد قهرمان، به عنوان آفرینندگان نهضت عاشورا، بخش عظیمی از ادبیات عاشورایی را به خود اختصاص داده و گاه در مقایسه با دیگر موضوعات، حضور برجسته‌تری دارند.» (آل بویه و انصاری، ۱۳۸۹: ۱۶) شاعران عرب و ایرانی هر کدام به فراخور اندیشه خویش، به برخی از جنبه‌های فردی، اجتماعی، اعتقادی، اخلاقی و یا سایر جنبه‌های دیگر پرداخته و آن حضرت را در حوزه مورد نظر به عنوان نماد و اسوه قرار داده‌اند. برخی از شاعران به صورت جزئی‌تر به بیان فضائل امام از قبیل هدایتگری، شجاعت، ظلم ستیزی، مقاومت، ایمان و اعتقاد، یاری رساندن و دستگیری از دیگران، کرم و بخشش، شرافت و بلند همتی، صبر و غیره پرداخته‌اند. در این میان شهریار با توجه به خاستگاه و محیط دوران کودکی‌اش، بیشتر به مرثیه و وصف منقبت آن حضرت پرداخته است. در میان اشعار فارسی سه عنوان بسیار حائز اهمیت است: حماسه حسینی، داغ حسین و کاروان کربلا. وی در کاروان کربلا چنین می‌سراید:

بعد از ینش صحنه‌ها و پرده‌ها اشک است و خون  
 دل تماش کن چه رنگین سینما دارد حسین  
 ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه‌ای  
 گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین  
 دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز  
 با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین  
 شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا  
 جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین  
 اشک خونین گو بیا بنشین به چشم شهریار  
 کاندرین گوشه عزایی بی ریا دارد حسین

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۹۸-۹۹)

نگاه شهریار به رنگ، نگاهی برگرفته از رویکرد رئالی و بکایی است. استفاده از کلمه خون در شعر شهریار، برخلاف عرف انقلابی، جنبه عاطفی دارد. او خون را برای بیان شدت حزن و اندوه خویش به کار می‌برد که برخاسته از فرهنگ سوز و عاطفه است:

به جامه‌های سیه، کودکان کو دیدم  
دلجم به یاد اسیران کربلا خون شد

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۲/ص ۹۵۵)

ویا گوید:

بعد از اینش صحنه‌ها و پرده‌ها اشک است و خون دل تماشا کن چه رنگین سینما دارد حسین

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۹۸-۹۹)

در ضمن مضمون بکایی، گاهی به نمادهایی نیز اشاره دارد. به عنوان مثال گل لاله، نماد انسانی است که خون او در راه خدا ریخته شده است:

الا ای لاله خونین چه داغی آتشین داری جگرها می کنی تا دامن محشر کباب اصغر

(شهریار، ۱۳۷۱: ج ۲/ص ۱۱۷۹)

تقابل لاله و باد خزان، حاکی از روحی لطیف است که متناسب با شخصیت عاطفی و رمانتیک شهریار بوده و بارویکرد حزن‌انگیز و رئایی شعر او تطابق دارد. عموماً واژگانی که شهریار در اشعار خود آنها به به کار می‌گیرد تا پیام خود را به خواننده منتقل کند، ساده و قابل فهم است و مخاطب را با چالش مواجه نمی‌سازد. وی با تکرار برخی شخصیت‌های عاشورایی در قافیه شعر همان طور که در شاهد مثال‌ها دیدیم، می‌خواهد یاد و ذکر آنها را بر جسم و جان خواننده بنشانند و ارتباطی عمیق با شخصیت اول قصیده خود برقرار سازد. «اشعار عاشورایی شهریار، متأثر از شاعران پیشین چون محتشم کاشانی و یا وحشی بافقی می‌باشد. اشاره به شور و نوای عاشورا در عالم، عطش و بستن آب بر روی اهل بیت(ع) توسط دشمنان، اشکو حسرت بر چشم شیعیان و خرابی خانه مسلمانان پس از شهادت امام از مضامین مشترک شعر شهریار و شعرایی چون محتشم کاشانی و وحشی بافقی است که تأثیرپذیری شهریار از آن دو و به دنبال آن، فرهنگ پیشین ادبیات فارسی را تداعی می‌کند.» (امین مقدسی و بهشتی، ۱۳۹۱: ص ۸۳)

ارتباط رنگ سرخ با مسائل مرتبط به امام حسین و عاشورا در اشعار جواهری به گونه‌ای دیگر است؛ هر چند که خون و رنگ سرخ از واژه‌های مشترک شعر هر دو شاعر است. اما جواهری اشعارش را به خون آغشته کرده و انگشت خونین امام حسین(ع) را مایه نجات این جهان از ظلم و ستم می‌داند. رنگ سرخ در شعر عاشورایی جواهری، نماد حرکتی اجتماعی و انتظار جامعه امروز است و اشاره به دهه‌های شصت و هفتاد دارد که جهان منتظر انقلاب‌های مختلف بود. جواهری حرکت جامعه را به سمت نشانه‌ای سرخ تداعی می‌کند:

کأن بدأ من وراء الضریح حمراء مبتورة الاصبع  
تمدإلی عالم بالخنوع و الضیم ذی شرق مترع

(الجواهری، ۲۰۱۱: ج ۱/ص ۴۷۶)

برخی معتقدند که جواهری شخصیتی انقلابی - اجتماعی داشت و مسائل اجتماعی و سیاسی کشورش نقش بسزایی در اشعارش داشتند. این اختلاف شخصیت، انعکاس پر رنگی در شعر او دارد تا جایی که جواهری را به اردوگاه شاعران حماسی و شعر فحیم و اجتماعی می‌کشاند و در حوزه اشعار عاشورایی به سمت نگاه تحلیلی

و حماسی، سوق می‌دهد. (امین مقدسی و بهشتی، ۱۳۹۱: ص ۷۸) شهبازی می‌گوید: جواهری در دو قصیده، به نام‌های (عاشورا و آمنت بالحسین) به مسأله عاشورا پرداخته است. سروده (عاشورا) که شاعر از آن با عنوان (روعة التاريخ) یاد می‌کند، در ۶۸ بیت و ۵ بخش، در سال ۱۹۳۵ میلادی به نظم کشیده شده است. چکامه عینیه آمنت بالحسین نیز سروده دیگر شاعر است که از شهرتی خاص برخوردار بوده و گاه در مجالس حسینی قرائت می‌شود. (شهبازی، محمود و اصغر شهبازی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱)

به کارگیری واژه حسین(ع) در اشعار شه‌ریار بیشتر از اشعار جواهری می‌باشد. شه‌ریار در قصیده «حماسه حسینی» هفت بار از نام مبارک امام حسین(ع) استفاده کرده و در شعر «داغ حسین» و «کاروان کربلا» نام مبارک آن حضرت را به عنوان قافیه قرار داده است؛ اما جواهری با توجه به این که شاعری گذشته‌گرا می‌باشد، به اصل و نسب اصیل امام حسین(ع) بیش‌تر تکیه می‌کند و به جای اشاره مستقیم به نام مبارک ایشان، آن حضرت را با نام‌های «ابن‌البتول» و یا «ابن‌آلتی لم یضع مثل‌ها» و یا «غصن هاشم» و یا «ابن‌الفتی‌الأنزع» خطاب می‌کند و بیان می‌کند که برای اثبات گفته‌هایش در مورد فضایل امام حسین(ع)، همین بس که او پسر زنی چون فاطمه(س) است. طبعاً این نوع خطاب حاکی از فرهنگ عربی است که برای تعظیم افراد، از کنیه و لقب استفاده می‌کنند و در «زبان پارسی شاعران ایرانی از نخستین ادوار، تعبیراتی از قبیل «مادر می»، «دختر رز» و «دخترتاک» را در آثار خود با تأثیر از این فرهنگ عرب آورده‌اند. این‌گونه تعبیرات، بیش‌تر از خصائص فرهنگی یک قوم سرچشمه گرفته است؛ چرا که عرب همه چیز را در مورد کنیه توسعه داده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۳۳۱) می‌توان گفت نگاه جواهری، نگاهی عمیق، حرکت‌ساز و مبنی بر فلسفه قیام است.

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که رنگ سرخ در شعر شه‌ریار و جواهری، فضایی واقعی، کنایی، رمزی و اسطوره‌ای به وجود آورده است، همچنین بیانگر آرمان‌ها و خواسته‌های هر دو شاعر است. این رنگ در شعر آنها به عنوان یکی از اجزای مهم صور خیال با زمینه‌های فرهنگی، آیینی و تاریخی گره خورده است.

رنگ سرخ در شعر شه‌ریار به خاطر تأثیر شخصیت درونی و فردی وی، رویکرد رئالیستی و غم‌بار دارد و در بسیار از مواقع سطحی بوده و از شدت چندانی برخوردار نیست، همچنین متأثر از محیط زندگی وی است که کلماتی پرسوز و تاب که مملو از غم، حزن و عاطفه است، در فضای اشعارش چه در اشعار انقلابی یا میهنی و یا اشعار عاشورایی حاکم شده است؛ در صورتی که در شعر جواهری، رنگ و بوی حماسی و فخرگونه به خود گرفته و از شدت و عمق فراوان برخوردار است. وقایع اجتماعی و محیط پر آشوب زندگی بر او تأثیر گذاشته و او را شاعری اجتماعی و انقلابی پرورانده است. همین ویژگی در چه اشعار میهنی و چه در اشعار انقلابی و یا اشعار عاشورایی به همراه اندکی رثا کاملاً مشهود است.

## منابع

- امین مقدسی، ابوالحسن و بهشتی، زهرا؛ «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شه‌ریار و محمد مهدی جواهری»؛ نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۹۱، صص ۵۹-۹۴.
- آل بویه لنگروی، عبدالعلی و انصاری، نرگس؛ «سیمای امام حسین(ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی»؛ نشریه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۹، صص ۱۵-۳۵.
- الجبوسی، سلمی الخضراء؛ *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث*؛ بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، بی تا.

- حسن لی، کاووس و مصطفی صدیقی؛ **نگاهی به هفت پیکر از دیدگاه نمادگرایی در پوشش صوفیه؛ تجلی عرفان در سخن سخنوران آذربایجان به کوشش فاطمه مدرس و محبوب طالعی**، انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۵.
- خارابی، فاروق؛ **سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- دزی، راینهارت پیتر ان؛ **فرهنگ البسه مسلمانان**؛ مترجم: حسینعلی هروی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- دی، جاناتان، و تایلو، لسل؛ **روان‌شناسی رنگ**؛ ترجمه: مهدی گنجی، تهران: ساولان، ۱۳۷۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ **صور خیال در شعر فارسی**؛ چاپ چهارم، تهران: نگاه، ۱۳۷۰.
- شهبازی، محمود و اصغر شهبازی؛ **«امام حسین و عاشورا در قصیده آمنت بالحسین محمد مهدی جواهری»**؛ مجله معارف حسینی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۹۵، ۱۵۷-۱۷۶.
- طالو، محیی‌الدین؛ **الرسم و اللون**؛ دمشق: مکتبه اطلس، بی‌تا.
- علی اکبرزاده، مهدی؛ **رنگ و تربیت**؛ تهران: میشا، ۱۳۷۵.
- لوشر، ماکس؛ **روان‌شناسی رنگ‌ها**؛ ترجمه: ویدا ابی زاده، تهران: درس، ۱۳۷۳.
- مختار عمر، أحمد؛ **اللغة واللون**؛ ط. ۲، القاهرة: عالم الکتب، ۱۹۹۷.
- همدانی زاده، فرحناز؛ **نمادشناسی رنگ در هفت گنبد نظامی**؛ هنرنامه، شماره ۵، بی‌تا.

#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** رضائی رمضان، علی اکبری پریناز، بررسی تطبیقی کارکرد نمادهای رنگ سرخ در شعر پایداری (با تکیه بر اشعار شهریار و جواهری)، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۷-۲۹.